

An Explanation of the Jurisprudential Requirements of Cyber Governance*

Saeed Amir Kaveh¹

Mansour Ghaffari Gusheh² 

1. Assistant Professor, Faculty of Religion and Media, Islamic Republic of Iran Broadcasting University, Tehran, Iran. samirkave@gmail.com

2. MA, Faculty of Religion and Media, Islamic Republic of Iran Broadcasting University, Tehran, Iran (**Corresponding Author**).
mansoorghaffari89320@gmail.com



Abstract

Given the rapid development of cyberspace and the necessity of addressing its governance issues, this study aims to explain the jurisprudential requirements of cyber governance, focusing on four main pillars of communication: the sender, the receiver, the message, and the medium. The research adopts an ijthadi (jurisprudential reasoning) method, relying on the Qur'an, Hadiths, and the opinions of Shi'a jurists to analyze the subject. The findings indicate that jurisprudential requirements related to the sender include securing the right to disseminate information, prohibiting the spread of falsehoods, violation of honor, promotion of immorality, and rumors, as well as observing intellectual property rights. Regarding the receiver, the requirements involve ensuring the right of access to information, protecting privacy, and providing user education. In the message dimension, prohibiting the publication of

* Amir Kaveh, S. & Ghaffari Gusheh, M. (2025). An Explanation of the jurisprudential requirements of cyber governance. *Islam and Social Studies*, 13(2), pp. 93-122.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.71514.2140>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

▣ **Received:** 2025/04/16 • **Revised:** 2025/06/29 • **Accepted:** 2025/10/21 • **Available Online:** 2025/11/19

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



security-related content, content filtering, and promoting suitable content are essential. Finally, concerning the medium, requirements such as ensuring equitable access, protecting data, and developing national information networks are emphasized. The study concludes that cyber governance based on Shi'a jurisprudence can contribute to creating a healthy and secure environment in cyberspace.

Keywords

Cyber governance, Shi'a jurisprudence, jurisprudential requirements, sender, receiver, message, medium.

تبیین بایسته‌های فقهی حکمرانی فضای مجازی*

سعید امیرکاوه^۱ منصور غفاری گوشه^۲ 

۱. استادیار، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران.

samirkave@gmail.com.

۲. کارشناسی ارشد، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mansoorghaffari89320@gmail.com



چکیده

با توجه به گستردگی روزافزون فضای مجازی و ضرورت پرداختن به مسائل حکمرانی آن، این پژوهش با هدف تبیین بایسته‌های فقهی حکمرانی فضای مجازی، با تمرکز بر چهار رکن اصلی ارتباط (فرستنده، گیرنده، پیام و ابزار)، انجام شده است. روش تحقیق این پژوهش، روش اجتهادی است که با استناد به قرآن کریم، روایات و آرای فقهای شیعه، به بررسی این موضوع پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بایسته‌های فقهی ناظر به فرستنده شامل تأمین حق انتشار اطلاعات، منع نشر دروغ، هتک حرمت، اشاعه فحشا و شایعه، و رعایت مالکیت معنوی است. در مورد گیرنده، بایسته‌هایی مانند تأمین حق دسترسی به اطلاعات، حفظ حریم خصوصی و آموزش کاربران مطرح می‌شود. در حوزه پیام، ممنوعیت نشر محتوای امنیتی، پالایش محتوا و ترویج محتوای مناسب ضروری است. همچنین، در مورد ابزار، بایسته‌هایی مانند تأمین دسترسی عادلانه، حفاظت از داده‌ها و ایجاد شبکه‌های ملی اطلاعات مورد تأکید قرار گرفته است. این پژوهش نشان می‌دهد که حکمرانی فضای مجازی م بیتی بر فقه شیعه، می‌تواند به ایجاد فضایی سالم و امن در این عرصه کمک کند.

کلیدواژه‌ها

حکمرانی فضای مجازی، فقه شیعه، بایسته‌های فقهی، فرستنده، گیرنده، پیام، ابزار.

* امیرکاوه، سعید؛ غفاری گوشه، منصور. (۱۴۰۴). تبیین بایسته‌های فقهی حکمرانی فضای مجازی. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۲)، صص ۹۳-۱۲۲.
<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.71514.2140>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



مقدمه

فضای مجازی به‌مانند پدیده‌ای تحول‌ساز در عصر حاضر، با تکیه بر فناوری اطلاعات و ارتباطات، تمامی ابعاد زندگی بشر را دگرگون کرده است. این فضا نه تنها نقش بستری برای تبادل داده‌ها را ایفا می‌کند، بلکه به ابزاری مؤثر در مدیریت جوامع و شکل‌دهی به حوزه‌های کلیدی مانند آموزش، فرهنگ، تجارت و سیاست تبدیل شده است (عاملی، ۱۳۹۷، ص ۱۷). گسترش سریع آن منجر به شکل‌گیری جامعه‌ای شبکه‌ای شده که در آن روابط انسانی، اقتصادی و سیاسی دستخوش تحولات اساسی گردیده‌اند.

فضای مجازی ساختارهای حکمرانی را دگرگون ساخته است. ماهیت غیرمتمرکز، سیال و جهانی این فضا، چالش‌های بی‌سابقه‌ای برای نظام‌های حکمرانی ایجاد کرده است (فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۳). در حالی که حکمرانی سنتی به اداره امور عمومی محدود بود، امروزه با ظهور فضای مجازی، این مفهوم گسترش یافته و شامل فرآیندهای تصمیم‌گیری، اعمال قدرت و تنظیم روابط میان دولت، بخش خصوصی و نهادهای عمومی می‌گردد. در این چارچوب، حکمرانی فضای مجازی به ایجاد ارزش‌ها، هنجارها و استانداردهای رسمی و غیررسمی برای رفتار این نهادها تعریف می‌شود (فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ص ۴۳).

حکمرانی فضای مجازی نیازمند چارچوب‌های سیاستی و قانونی کارآمد برای نظارت و تنظیم روابط است. این امر مستلزم تعریف ارزش‌ها و استانداردهای رفتاری (رسمی و غیررسمی) در مقام اولویتی حکومتی است. با این حال، ماهیت فرامرزی، غیرمتمرکز و پیچیده فضای مجازی، همراه با چالش‌های فنی و اخلاقی، اجرای حکمرانی مؤثر را دشوار می‌سازد.

فقه در نقش نظامی الهی برای تنظیم روابط انسانی، می‌تواند مبانی ارزشی حکمرانی فضای مجازی را تأمین کند. فقه شیعه با ویژگی‌های منحصر به فردی چون جامعیت و انعطاف، قادر به ارائه راهکارهای حقوقی و اخلاقی برای چالش‌های فضای مجازی است. با این حال، تحقیقات کافی در این زمینه انجام نشده و خلأ پژوهشی مشهودی وجود دارد. اهمیت این پژوهش از تأثیر همه‌جانبه فضای مجازی بر زندگی فردی و اجتماعی و

تبدیل شدن آن به یکی از ارکان اصلی حیات بشری نشأت می‌گیرد. گسترده‌گی کاربران، مدت زمان استفاده قابل توجه، تأثیر عمیق بر ساختارهای سیاسی-فرهنگی و بهره‌گیری کشورها از این فضا در مدیریت جامعه، همگی ضرورت حکمرانی مؤثر بر فضای مجازی را آشکار می‌سازند.

با توجه به جامعیت دین اسلام و نقش راهبردی فقه در تنظیم روابط اجتماعی و حکمرانی، بررسی ابعاد حکمرانی فضای مجازی از منظر فقهی امری ضروری است. این پژوهش با تبیین الزامات فقهی حکمرانی فضای مجازی بر اساس مکتب شیعه، در پی تدوین الگویی است که همسو با فطرت الهی انسان بوده و مسیر سعادت را در عصر دیجیتال هموار سازد.

هدف اصلی این پژوهش تبیین بایسته‌های فقهی حکمرانی فضای مجازی در بعد سیاست‌گذاری است که طی آن سیاست‌ها و هنجارهای مناسب برای دستیابی به وضعیت مطلوب تعیین می‌شود. این بعد در جایگاه پایه‌ای‌ترین مرحله حکمرانی، اهداف و اولویت‌های کلی را مشخص می‌کند که مبنای اقدامات اجرایی در سایر ابعاد (اجرا، نظارت و ارزیابی) قرار می‌گیرد. سیاست‌گذاری نقشه راه و نقطه آغازین حکمرانی محسوب می‌شود که جهت‌گیری‌های کلان و تصمیمات اساسی در آن شکل می‌گیرد.

هر ارتباطی اساساً شامل سه عنصر فرستنده، پیام و گیرنده است (دادگران، ۱۳۸۸، ص ۳۵) که در بستر ابزاری مناسب شکل می‌گیرد. بر این اساس، سیاست‌گذاری و قاعده‌گذاری در فضای مجازی باید در کنار این سه عنصر، ابزار را نیز به‌مثابه عنصر دیگری مدنظر قرار دهد. پژوهش حاضر بایسته‌های فقهی حکمرانی فضای مجازی را بر مبنای این عناصر چهارگانه تبیین و دسته‌بندی می‌کند.

چارچوب نظری

نظریه‌های هنجاری رسانه باید‌ها و نبایدهای حاکم بر رسانه‌ها و نظام‌های کنترل آنها را بررسی می‌کنند. کنترل و مالکیت رسانه‌ها مستقیماً بر محتوا و تأثیرات رسانه‌ای تأثیرگذار است. این نظام‌های کنترل متأثر از فلسفه سیاسی، حقوق، اخلاق و نظام‌های اقتصادی هستند، به‌طوری‌که ساختار قدرت سیاسی، چارچوب‌های حقوقی و

مکانیسم‌های اقتصادی به صورت مستقیم فعالیت‌های رسانه‌ای را هدایت می‌کنند (مهدی‌زاده، ۱۴۰۰، ص ۸۹). مطالعات پنج دهه اخیر رابطه مستقیم بین الگوهای مطبوعاتی و ساختارهای سیاسی-اقتصادی جوامع را تأیید می‌کنند (مولانا، ۱۴۰۲، ص ۱۱).

۱- نظریه اقتدارگرا در جوامع پادشاهی مطرح است که در آن مطبوعات تابع قدرت دولت و منافع حاکمان عمل می‌کنند. این نظریه با ویژگی‌هایی چون وابستگی رسانه‌ها به دولت، سانسور نظام‌مند و مجازات رسانه‌های مستقل شناخته می‌شود (مک‌کویل، ۱۳۸۵، ص ۱۶۲).

۲- نظریه رسانه‌های آزاد: این نظریه بر آزادی فردی و حق انتشار بدون سانسور تأکید دارد. اصول آن مبتنی بر برتری فرد، خرد، حقیقت و حاکمیت اراده مردم است. هرچند سانسور پیش از نشر ممنوع است، اما حفاظت از آبرو، حریم خصوصی و امنیت ملی بر آزادی انتشار اولویت دارد (مک‌کویل، ۱۳۸۵، صص ۱۶۴-۱۶۹).

۳- نظریه مسئولیت اجتماعی: این نظریه درصدد ترکیب استقلال رسانه با تعهد به جامعه است. رسانه‌ها وظایفی اساسی در قبال جامعه، به‌ویژه در سیاست دموکراتیک، دارند. این نظریه خوش‌بینی نظریه رسانه‌های آزاد را کنار گذاشته و بر مسئولیت‌پذیری رسانه‌ها تأکید می‌کند (مک‌کویل، ۱۳۸۵، صص ۱۶۹-۱۷۱).

۴- نظریه رسانه‌های شوروی: در این نظریه، رسانه‌ها باید تحت کنترل سازمان‌های طبقه کارگر، به‌ویژه حزب کمونیست، باشند. رسانه‌ها نقش مثبتی در شکل‌گیری جامعه و حرکت به سوی کمونیسم دارند و وظایفی مانند اجتماعی‌سازی و کنترل اجتماعی غیررسمی بر عهده آن‌ها است (مک‌کویل، ۱۳۸۵، صص ۱۷۲-۱۷۴).

۵- نظریه رسانه‌های توسعه‌بخش: این نظریه برای کشورهای در حال توسعه طراحی شده و بر استقلال فرهنگی، توسعه ملی و مسئولیت‌پذیری دموکراتیک تأکید دارد. آزادی رسانه‌ها ممکن است تحت الشعاع مسئولیت‌های جمعی قرار گیرد (مک‌کویل، ۱۳۸۵، صص ۱۷۴-۱۷۷).

۶- نظریه مشارکت دموکراتیک رسانه‌ها: این نظریه در جوامع توسعه‌یافته لیبرال مطرح شده و به دنبال کاهش تجاری‌شدن و انحصار رسانه‌ها است. رسانه‌ها باید مستقیماً تحت کنترل مخاطبان باشند و فرصت‌هایی برای مشارکت مردمی فراهم کنند (مک‌کویل، ۱۳۸۵، صص ۱۷۷-۱۸۰).

نکته مهم و کلیدی در مورد این نظریات در مقام هماهنگ‌کننده رابطه رسانه و حاکمیت این است که در عمل، هیچ‌یک از این نظریه‌ها به شکل خالص اجرا نمی‌شوند، بلکه ترکیبی از اصول آنها در نظام‌های رسانه‌ای مختلف به کار گرفته می‌شود (مک‌کویل، ۱۳۸۵، ص ۱۶۰). بررسی این نظریه‌ها نشان می‌دهد سه مفهوم محوری «استقلال»، «آزادی» و «امنیت» در کانون مباحث نظری قرار دارند.

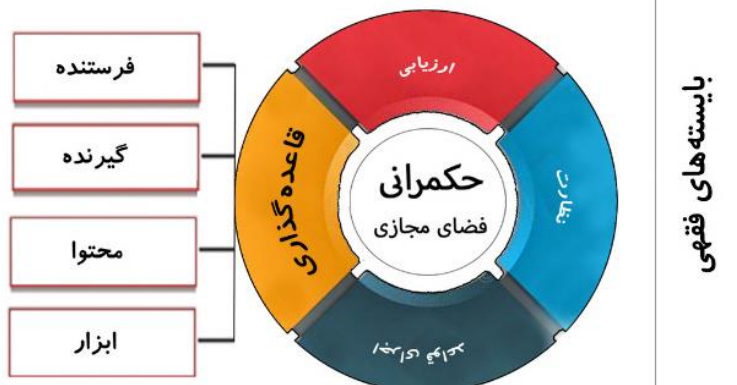
نظریه اقتدارگرا در نظام‌های پادشاهی، آزادی‌ها را به نفع حفظ قدرت حاکم محدود می‌کند و امنیت نظام سیاسی را بر امنیت فردی و رسانه‌ای ترجیح می‌دهد. در واکنش به این رویکرد، نظریه رسانه‌های آزاد با تأکید بر ارزش آزادی شکل گرفت که گاه در بستر مبارزه با استعمار، آزادی را به معنای استقلال می‌دانست. این نظریه اگرچه آزادی بیان را ارج می‌نهد، اما آن را با ملاحظات امنیتی مانند حفظ حریم خصوصی، آبروی افراد و امنیت ملی محدود می‌کند. بر اساس این نظریه، اگرچه انتقاد از دولت نباید موجب مجازات شود، اما تجاوز به امنیت ملی از این قاعده مستثنی است (مهرداد، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱). نظریه مسئولیت اجتماعی در راستای ناکارآمدی نظریه آزادی در صدد محدود نمودن آزادی به دنبال متعهد نمودن رسانه برآمد و به جهت تامین امنیت، رسانه را مسئول و ملزم به پاسخگویی نمود که نشان از اولویت مفهوم امنیت در این نظریه دارد. بررسی نظریه رسانه‌های شوروی دو محور اصلی را نشان می‌دهد: آزادی (به مفهوم رهایی از جامعه طبقاتی) و امنیت، همراه با تأکید بر وفاداری به حزب که نشانگر اهمیت استقلال در این نظریه است. از سوی دیگر، نظریه رسانه‌های توسعه‌بخش با اولویت دادن به حفظ زبان و فرهنگ ملی و مقابله با سلطه خارجی (امیرپور و بهرامیان، ۱۳۹۲، ص ۲۳۹)، استقلال و امنیت را بر آزادی ترجیح می‌دهد و در بسیاری موارد آزادی را فدای این دو عنصر می‌کند. محدود کردن آزادی به منظور رفع موانع توسعه، امنیت و ثبات را به مانند اساس مسیر توسعه در نظر دارد. در نظریه مشارکت دموکراتیک، آزادی به شکل حق دسترسی برابر شهروندان و اقلیت‌ها به رسانه‌ها و جلوگیری از انحصار دولتی تجلی می‌یابد. به رسمیت شناختن گروه‌های مختلف و مخالفت با جامعه توده‌وار (مهدی‌زاده، ۱۴۰۰، ص ۹۷) نشان‌دهنده اهمیت عنصر استقلال در این نظریه است. همچنین همانند نظریه

مسئولیت اجتماعی، رسانه‌ها را ملزم به حفظ امنیت مخاطبان و جامعه می‌داند. نکته کلیدی این است که هرچند عناصر آزادی، استقلال و امنیت در نظریه‌های رسانه‌ای مشترک هستند، اما برداشت هر نظریه از این مفاهیم کاملاً متمایز است. برای مثال، تعریف «آزادی» در هر نظریه با دیگری تفاوت بنیادین دارد (مک‌کویل، ۱۳۸۵، ص ۱۸۱). آنچه اهمیت دارد، محوریت این مفاهیم در کانون نظریه‌پردازی‌های رسانه‌ای است، نه تعریف یکسان از آنها.

مفاهیم سه‌گانه امنیت، استقلال و آزادی در متون دینی نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. در این منابع، آزادی یک ارزش والای انسانی شناخته می‌شود (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۳، ص ۱۱۷)، در حالی که امنیت - که تنها محدود به حفظ جان و مال نیست، بلکه شامل حیثیت و شخصیت افراد نیز می‌گردد - نعمتی بی‌بدیل تلقی شده است (عباس‌نژاد، ۱۳۸۵، ص ۵۶۴). استقلال نیز در قرآن کریم با تأکید بر نفی سلطه کافران و حفظ عزت مسلمانان مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به این مبانی و با بهره‌گیری از نظریه‌های هنجاری رسانه، می‌توان بایسته‌های فقهی حکمرانی فضای مجازی را در چارچوب سه عنصر کلیدی آزادی، امنیت و استقلال و بر اساس اصول فقه شیعه تدوین و استقصا نمود.

دیدگاه اسلامی با محوریت سه مفهوم استقلال، آزادی و امنیت (با استفاده از نظریات هنجاری رسانه)



روش پژوهش

پژوهش حاضر از روش تحقیق اجتهادی بهره می‌برد که در آن فقیه با تکیه بر منابع اصلی دینی (قرآن، سنت، عقل و اجماع) به استنباط احکام شرعی می‌پردازد (حلی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۵۳). این روش شامل بررسی دقیق موضوع از طریق مراجعه به منابع لغوی، دینی و مشورت با اهل خبره است. سپس با جمع‌آوری آیات و روایات مرتبط و تحلیل آنها بر اساس قواعد اصول فقه و علم رجال، و با بهره‌گیری از عقل و اجماع، حکم شرعی استخراج می‌شود. در این فرآیند از روش‌های غیرمعتبری مانند قیاس و استحسان پرهیز می‌شود.

بایسته‌های فقهی ناظر به فرستنده

ناظر به فرستنده در نقش یکی از ارکان اصلی ارتباط، شش بایسته فقهی را می‌توان مورد بحث قرار داد که حقوق، وظایف و مسئولیت‌های فرستنده را در قبال محتوا و اطلاعات ارسالی مشخص می‌کنند و عبارتند از:

۱- تأمین حق انتشار اطلاعات

آزادی بیان به مثابه حقی بنیادین در رسانه، شامل آزادی در بیان عقیده و نظر از طریق ابزارهای ارتباطی است و مفاهیمی مانند آزادی مطبوعات، آزادی کلام و آزادی ارتباطات را در بر می‌گیرد (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۹). این حق زمینه‌ساز تبادل افکار است، اما در اسلام محدود به رعایت حریم الهی، حقوق افراد، قوانین اجتماعی، اخلاقیات و امنیت ملی می‌شود (نظری، ۱۳۹۸، ص ۱۶۲). هرگونه تعرض به این حدود، تعدی محسوب می‌گردد فلذا محتوی تولیدی نباید از این حدود فرا رود. در قرآن و سیره معصومین بر آزادی بیان تأکید شده است. آیه «یستمعون القول فیتبعون احسنه» (زمر/ ۱۸) براهمیت انتخاب بهترین گفتار دلالت دارد که لازمه اش آزادی گفتارهاست (جوادی آملی و مصطفی‌پور، ۱۳۸۴، ص ۸)، معصومین نیز مجال بیان آزادانه نظرات را-برای افراد عادی و عالمان سایر ادیان و...- فراهم می‌کردند (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۸۴۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۲۵۷).

در نهایت، بر اساس اصالة الاباحه (اصل اولی جواز)، بیان و نشر اطلاعات و عقاید در مواردی که دلیلی بر ممنوعیت آن-مانند توهین و...- وجود ندارد، آزاد است.

۲- منع انتشار دروغ

حرمت دروغ در اسلام به صورت صریح تأیید شده است. شیخ انصاری آن را از ضروریات عقول و ادیان می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۱). این حکم با استناد به چهار منبع استنباط (آیات، روایات، اجماع و عقل) اثبات می‌شود. البته در دیدگاه برخی از فقها، عقل نمی‌تواند با چشم پوشی از مفاسد مترتب بر دروغ به حرمت آن حکم نماید و حکم عقل در این مسئله به نکته مفاسد مترتب بر دروغ است نه ذات دروغ (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۵).

سه دیدگاه اصلی درباره ملاک صدق و کذب وجود دارد:

۱. دیدگاه مشهور فقها که تطابق با واقعیت خارجی را ملاک می‌داند. در این نگاه، اگر خبری با واقعیت منطبق نباشد، صرف نظر از اعتقاد گوینده، کذب محسوب می‌شود ولو که گوینده مطابق با باور اشتباه خود، خبری را بیان کرده باشد.
۲. دیدگاه دوم که تطابق با اعتقاد گوینده را معیار می‌داند. بر این اساس، اگر گوینده به گفته خود اعتقاد داشته باشد و مطابق با آن کلامی را بیان نماید حتی اگر با واقعیت مغایر باشد، کاذب نخواهد بود (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۵).
۳. دیدگاه سوم هماهنگی همزمان با واقعیت و اعتقاد گوینده را شرط می‌داند. بر این اساس، فقط وقتی کلامی صادق است که هم با واقعیت خارجی و هم با باور گوینده مطابقت داشته باشد. اگر با هر دو ناسازگار باشد، کذب محسوب می‌شود. اما اگر فقط با یکی از این دو (واقعیت یا اعتقاد) هماهنگ باشد، نه صادق است و نه کاذب. این دیدگاه با تقسیم بندی رایج عرف که فقط دو حالت صدق و کذب را می‌شناسد، سازگاری ندارد (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۷).

دیدگاه ما معیار دروغ را قصد فریب مخاطب می‌داند. از آنجا که گوینده همواره

اعتقادات خود را عین واقعیت می‌پندارد، زمانی که عامدانه برخلاف این اعتقاد (که خود آن را حقیقت می‌داند) سخن بگوید تا مخاطب را گمراه کند، عرفاً دروغگو محسوب می‌شود.

در بررسی دروغ، مسائلی چون مبالغه، شوخی، موارد مشکوک و استثنائات نیازمند تحلیل تفصیلی هستند. به طور خلاصه، مبالغه‌ای که پایه در واقعیت داشته باشد، مصداق دروغ محسوب نمی‌شود (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۶). همچنین ادله اقامه شده بر حرمت دروغ در موارد شوخی از صحت و دلالت سندی و متنی کافی برخوردار نیستند (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۰؛ خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۵). نشر مطالب مشکوک نیز هرچند در بیان برخی فقها مورد ممنوعیت قرار گرفته است (تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۳۷) اما به نظر ما ادله دلالت کافی بر این ممنوعیت را نخواهند داشت. همچنین در سه مورد اضطرار، اصلاح و خدعه در جنگ، حرمت دروغ تخصیص خورده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۱؛ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۱۳۳).

۳- منع هتک حرمت

حرمت و اعتبار هر شخصی محترم است و نباید در فرآیند ارتباط یا تولید محتوا، لطمه‌ای به آبرو و اعتبار دیگران وارد شود. فرستنده یا تولیدکننده محتوا باید نسبت به این موضوع مسئولانه رفتار کند. هتک حرمت افراد می‌تواند در قالب‌های نه گانه سب، غیبت، افتراء، قذف، هجو، تمسخر، نیمه، تعییر و تشبیب صورت پذیرد.

حرمت به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱. حرمت نوع اول: احترامی است که هر فرد به صرف انسان بودن از آن برخوردار است یا می‌تواند برای خود ادعا کند. این نوع حرمت، جنبه شخصی و ذاتی دارد و معمولاً به آن آبرو گفته می‌شود. آبرو بیشتر جنبه معنوی دارد و تنها اشخاص حقیقی می‌توانند از آن بهره‌مند باشند.

۲. حرمت نوع دوم: اعتبار و شهرتی است که فرد در نتیجه فعالیت‌ها یا دلایل دیگر در جامعه یا نزد دیگران به دست می‌آورد. این نوع حرمت، جنبه اکتسابی دارد و

معمولاً به آن اعتبار یا شهرت گفته می‌شود. اعتبار بیشتر جنبه مالی دارد و مانند یک کالا محاسبه می‌شود. علاوه بر اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند باشند (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۲۱۰).

در فقه شیعی، حرمت سب (دشنام) به صورت اجمالی مورد پذیرش قرار گرفته است. شیخ انصاری این حکم را مستند به ادله اربعه (قرآن، حدیث، عقل و اجماع) دانسته است. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۵۳) این حکم همان طور که در کلام شیخ انصاری آمده است البته به سب مؤمنین اختصاص دارد، یعنی حرمت قطعی و اجمالی سب در مورد تعلق سب به شیعیان می‌باشد کما اینکه غالب فقیهان عنوان "سب المؤمن" را موضوع بحث قرار داده‌اند. برخی سب غیر مؤمنان و مشرکین را از جمله طاعات الهی برشمرده‌اند (نجفی، ۱۴۲۰ق، صص ۵۶-۵۰) اگرچه برخی فقیهان موضوع حرمت را "سب المسلم" قرار داده‌اند که نفی اختصاص بحث به شیعیان را در پی دارد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۹۷).

از آیات قرآن کریم می‌توان به آیه شریفه *وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ* (انعام، ۱۰۸) اشاره نمود. همچنین به آیه شریفه *وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ* (حج ۳۰) به این بیان که مراد از قول زور هرگونه کلام باطل است (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۰۸) نیز استناد شده و سب نیز از روشن‌ترین مصادیق آن دانسته شده است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۹۶). همچنین در روایات از سب به مثابه عامل دشمنی و عداوت میان مردم، فاسق‌بودن و در شرف هلاکت قرار گرفتن کسی که مؤمنی را سب نماید، یاد شده است (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۹۷). معصومین علیهم السلام اشاره فرموده‌اند که سب و فحاشی جایگاهی در دین آئین آنان ندارد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۹۰) همچنین از شرایط ایمان و تکمیل آن ترک سب دانسته شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۲۷). البته حرمت سب نیز در مواردی دچار تخصیص شده است که در جای خود مورد بررسی قرار گرفته است.

حرمت غیبت - پرداختن به عیوب مخفی دیگران در جهت تنقیص آنان در فضایی که حضور ندارند - در فقه شیعی، مسئله‌ای کاملاً واضح و آشکار است که مورد تردید

و شبهه نیست. آیات متعددی مانند آیه ۱۲ سوره حجرات، ۱۴۸ سوره النساء به حرمت غیبت اشاره دارند. در برخی روایات از غیبت با تعابیری چون تشیع فاحشه، أسوء و أشد از زنا، عامل محرومیت از بهشت، از بین برنده اعمال، خوراک سگان جهنم، موجب بغض الهی، عامل خروج از ولایت الهی و دخول در ولایت شیطان و موارد متعدد دیگری ذکر شده است (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۷۸). غیبت از گناهان کبیره محسوب می‌شود و شیخ انصاری هر تردیدی در این امر را نادرست می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۱۸). این حرمت مختص مؤمنان است و شامل غیرمسلمانان نمی‌گردد، چرا که روایات موضوع غیبت را «مؤمن» دانسته و هرچند موضوع آیه دال بر منع غیبت «أخ» می‌باشد اساساً نسبت به مخالفان، مخالفین اخوتی ثابت نیست بلکه دستور به لزوم تبری از آنان وجود دارد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۱۹). البته این حکم نیز مانند سایر احکام، استثنائاتی دارد که باید جداگانه بررسی شود.

افترا (نسبت دروغین اعمال مجرمانه) از مصادیق دروغ و آزار بوده و در روایات اسلامی حرام شمرده شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۷). این عمل هم موجب آسیب فردی می‌شود و هم پیامدهای اجتماعی منفی دارد.

قذف - نسبت دادن زنا یا لواط به دیگران - از گناهان کبیره بوده و نه تنها باعث هتک حرمت فرد می‌شود، بلکه ممکن است منجر به عواقب شدید اجتماعی و حقوقی شود. حرمت قذف در آیات - آیه ۴ و ۲۹ سوره نور - و روایات متعددی مورد تأکید قرار گرفته است (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۳۱۸).

هجو در جایگاه یکی از مصادیق سب و شتم، ممنوع و دارای حکم حرمت است. عمده تفاوت هجو با سب در این است که مبتنی بر نظر اکثر لغویین و فقها، در قالب شعر محقق می‌گردد. هجو در موارد متعددی می‌تواند عناوین ممنوعه‌ای چون آزار دادن آزار دادن مؤمن، افشای سر، سرزنش و... را محقق نماید از همین روی علاوه بر ادله خاصی - آیه ۱ سوره همزه - که بر حرمت آن وجود دارد، ادله عام مرتبط با غیبت و آزار دادن و... نیز دال بر حرمت هجو خواهند بود. حرمت هجو البته در نظر مشهور فقیهان مختص به مؤمنین خواهد بود؛ بنابراین هجو غیر آنان بدون اشکال است.

استهزا و تمسخر دیگران از مصادیق تحقیر و آزار دادن محسوب می‌شود و در اسلام ممنوع است. استهزا نه تنها باعث ناراحتی فرد می‌شود، بلکه ممکن است منجر به تضعیف روحیه و آسیب‌های روانی شود. آیات - (آیه ۷۹ سوره توبه، ۱۱ سوره حجرات) - و روایات متعددی بر حرمت استهزا تأکید دارند.

نمیه به معنای انتقال سخنان ناخوشایند بین افراد است و از مصادیق فتنه‌انگیزی محسوب می‌شود. سخن‌چینی نه تنها باعث ایجاد اختلاف و دشمنی می‌شود، بلکه ممکن است منجر به افشای اسرار و آزار دیگران شود. حرمت نمیه در آیات - (۲۵ رعد، ۲۱۷ بقره) - و روایات متعددی - (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۳۰۶) - مورد تأکید قرار گرفته است.

تعییر نیز به معنای سرزنش و توبیخ دیگران است و از مصادیق تحقیر و آزار دادن محسوب می‌شود. حرمت تعییر در روایات متعددی مورد تأکید قرار گرفته است (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۷۶).

تشبیب نیز به معنای ذکر محاسن و زیبایی‌های زن مؤمنه آشنا و محترمه در قالب شعر است و معمولاً با اظهار علاقه همراه می‌شود. در استدلال برای حرمت این عمل به عموماً حرمت لهو و باطل، حرمت فحشا، منافات با عفت، ممنوعیت تهییج شهوت و... تمسک شده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۷۸).

۴- منع اشاعه فحشاء

اشاعه فحشا به معنای انتشار و ترویج اعمال بسیار زشت است، چه از طریق انجام علنی آن عمل، تشویق دیگران به ارتکاب یا انتشار اخبار مربوطه. از آنجا که حفظ آبروی مؤمن واجب است، نباید خطاهای او را منتشر کرد. افزون بر این، ترویج هر عمل حرامی مانند رفتارهای منافی عفت، خود گناهی مستقل محسوب می‌شود.

آیه ۱۹ سوره نور با وعده عذاب برای اشاعه‌دهندگان فحشا، به روشنی حرمت این عمل را بیان می‌کند. عبارت "حَبَّ اشاعه فحشاء" در آیه نشان می‌دهد که این افراد از روی میل و رغبت (نه بی‌مبالاتی) به ترویج فحشا می‌پردازند. موید این مطلب شأن نزول

آیه است که اشخاصی عامدانه و با برنامه ریزی به دنبال نشر شایعات در ماجرایی‌های بودند (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۹۲). بنابراین باید بین کار و عملی که آگاهانه به قصد اشاعه محقق شده است با عمل و کاری که بدون قصد و ناخودآگاه منجر به اشاعه شده است تفاوت قائل شد. بر اساس روایات (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۴۷)، حتی اگر ارتکاب عمل زشتی با شهادت پنجاه نفر هم ثابت شود، نشر آن - به استناد آیه ۱۹ سوره نور - ممنوع است. امامان معصوم با تأکید بر این حکم، دستور به "تکذیب گوش و چشم" داده‌اند؛ یعنی حتی در صورت مشاهده یا شنیدن عمل زشت، نباید آن را منتشر کرد تا حیثیت مؤمن حفظ شود. البته حد وسط استدلال امام مشخص است یعنی انتشار در جایی که منجر به هدم مروّت و رسوایی شخص می‌گردد ممنوع است فلذا مورد روایت در جایی است که انتشار فاحشه به آبروی افراد لطمه می‌زند و دلالتی بر نهی از انتشار گزارشات در مورد تحقق فحشا بدون استناد به شخص خاصی ندارد.

۵- منع نشر شایعه

شایعه‌پراکنی - یعنی انتشار اخبار اثبات‌نشده یا ترکیبی از حقایق و دروغ‌ها - حتی اگر در قالب بیان مطالب مشکوک باشد، ممنوع است. این عمل که صرفاً مبتنی بر گمان است و نباید مبنای تصمیم‌گیری یا اثرگذاری قرار گیرد. در برخی آیات - ۱۰ و ۱۱ ذاریات، ۸۳ نساء، ۶۰ و ۶۱ احزاب - و روایات (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۲۵؛ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۲۷) صراحتاً به مذمومیت یا ممنوعیت شایعه‌پراکنی اشاره شده است که البته بیشتر این موارد مربوط به مسایل جنگی، اخبار پیروزی یا شکست سپاه مسلمانان و تدارک گسترده دشمنان برای ایجاد رعب و وحشت در میان مسلمانان می‌باشد. بنابراین آیات و روایات هرچند شایعه‌پراکنی را مذمت کرده‌اند، اما حرمت قطعی آن مربوط به مواردی است که موجب تضعیف روحیه مردم شود. همچنین اگر شایعه مشمول عناوین حرام دیگری مانند قذف یا آزار دادن مؤمن گردد، به تبع آن و از همان باب حرام خواهد بود. در غیر این صورت، تنها در صورتی که شایعه باعث اختلال

در نظام اجتماعی مسلمین (مانند تأثیر منفی بر سپاه اسلام) شود، حرام محسوب می‌شود.

۶- رعایت مالکیت معنوی

مالکیت یا به عین و منفعت تعلق می‌گیرد (مالکیت مادی) یا به آثار فکری و هنری (مالکیت معنوی). این حق به پدیدآورنده اختیار می‌دهد تا دیگران را از استفاده و بهره‌برداری از اثرش منع کند. (کدیوریان، ۱۳۹۳، ص ۱۸). این نوع مالکیت در فقه اسلامی مورد اختلاف است. برخی از فقها مانند امام خمینی (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۲۵)، میرزا جواد تبریزی (تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۲۱۸)، سید کاظم حائری (حائری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۶۰) و... شرعی بودن حقوقی چون حق چاپ و حق نشر و... را پذیرفته‌اند و برخی دیگر مانند مکارم شیرازی (شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۵۳)، فاضل لنکرانی (لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۰۶) شهید صدر (صدر، ۱۴۲۰ق، ص ۲۷۵) و... مشروعیت چنین حقوقی را پذیرفته‌اند. ادله‌ای مانند ارتکاز عقلایی، قاعده لاضرر و اطلاعات ادله معاملات برای اثبات مالکیت فکری مطرح شده‌اند، اما هر کدام با چالش‌هایی مواجه هستند (حائری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۶۰). در نهایت، برخی فقها با توسل به قاعده لاضرر (صدر، ۱۴۲۰ق، ص ۲۷۵) و یا ادله ولایت فقیه (حائری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۵۹). مالکیت فکری را قابل پذیرش می‌دانند. پذیرش مالکیت معنوی - با وجود مناقشات فقهی - به دلیل پیامدهای اجتماعی و مصالح متعدد آن ضروری است. این مشروعیت هم بر اساس قاعده لاضرر (با تفسیر شهید صدر) و هم مستند به ادله ولایت فقیه قابل توجیه است. حقوق معنوی پدیدآورندگان شامل حق انتشار، انتساب، حفظ تمامیت اثر، استرداد، تکثیر، عرضه و ترجمه است. نقض این حقوق تنها در مواردی مانند تکثیر غیرمجاز یا اقتباس بدون اجازه (مثل تبدیل رمان به فیلم) محقق می‌شود، نه در مواردی مانند نقل قول علمی یا استفاده از نظریات.

بایسته‌های فقهی ناظر به گیرنده

ناظر به گیرنده در نقش یکی دیگر از ارکان اصلی ارتباط، سه بایسته فقهی استخراج

شده است که حقوق گیرنده را در قبال محتوا و اطلاعات دریافتی مشخص می کنند و عبارتند از:

۱- تامین حق دسترسی به اطلاعات

حق دسترسی به اطلاعات، یک حق عمومی است که البته محدودیت هایی دارد. این حق شامل اطلاعاتی می شود که مربوط به حریم خصوصی افراد نباشد (اسماعیلی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۶) و همچنین مواردی مانند اطلاعات امنیت ملی، مسائل دفاعی و اخبار محرمانه نظامی را در بر نمی گیرد. سیره معصومین علیهم السلام، ادله مشورت در اسلام، لزوم پرهیز از معرضیت سوظن واقع شدن، نهی از کتمان علم، قاعده لاضرر، سیره عقلا و قاعده حرمت اختلال نظام وجوه و عناوین دیگری هستند که تلاش شده است تا از آنان برای اثبات حق دسترسی به اطلاعات استفاده گردد (ساریخانی و اکرمی، ۱۳۹۱، ص ۴۰) که به نظر می رسد همانگونه که خود نیز ناظر به برخی از این وجود بیان داشته اند این دسته از ادله نمی تواند چنین حقی را برای عموم مردم ثابت نمایند. به نظر می رسد هرچند ادله ادعا شده نسبت به اثبات چنین حقی دلالت کافی ندارند اما با استناد به اصل اباحه، مادامی که منعی برای چنین دسترسی مانند حریم خصوصی و... وجود نداشته باشد، دسترسی به اطلاعات عمومی بدون اشکال و جایز خواهد بود.

۲- حفظ حریم خصوصی

حریم خصوصی به قلمرویی از زندگی انسان اطلاق می شود که فرد به طور نوعی، عرفی یا شخصی تمایلی به تعرض دیگران به آن ندارد. رضایت شخص عنصر کلیدی در تعریف حریم خصوصی است (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹). این حق البته متناسب با ادله آن، اختصاصی به افراد ندارد و شخصیت های حقوقی نیز از حریم خصوصی بهره مند هستند.

اسلام همواره بر احترام و رعایت حریم خصوصی تأکید کرده است. اگرچه اصطلاح حریم خصوصی به طور مستقیم در متون دینی به کار نرفته، اما در قالب احکام

و دستوراتی مانند حق مالکیت، منع تجسس، منع سب و هجو، منع غیبت، منع استراق سمع، منع ورود به منازل بدون اجازه، و ممنوعیت سوءظن، به رعایت حریم خصوصی توجه شده است (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۸).

مناط اصلی حریم خصوصی، معقول و متعارف بودن انتظار فرد برای حفظ حریم است. همچنین، مفاهیم خصوصی و عمومی نسبی هستند و درجات و مراتب متفاوتی دارند. فقه اسلامی بر اساس مبانی و اصولی مانند اصل تکریم و کرامت انسان، عدم سلطه انسان‌ها بر یکدیگر، حق اختیار و آزادی انتخاب، و قواعد فقهی مانند قاعده لاضرر، نفی حرج، و تسلط، هرگونه نقض حریم خصوصی مانند ره‌گیری مکالمات، شنود صوتی، فیلم‌برداری تصویری، هک و موارد مشابه را بدون اجازه، ممنوع و غیرمجاز می‌داند (نهادندی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۳۸).

نهی از تجسس در آیه ۱۲ سوره حجرات، در کنار روایات متعددی (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۲۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۸) بر لزوم رعایت حریم خصوصی دلالت دارند. روایات متضمن تعبیر "المجالس بالامانه" (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۰)، ادله دال بر حرمت غیبت (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۷۸)، ادله دال بر حرمت نیمه (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۳۰۶) و ادله دال بر حرمت آزار دادن مؤمن (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۶۴) از جمله روایات دیگری هستند که بر ابعادی از حریم خصوصی و لزوم رعایت آن دلالت دارند.

مواردی چون مراقبت و نظارت بر کارگزاران دولتی، جاسوسی از دشمن، نظارت بر مخالفین داخلی و در برخی موارد محدود نظارت بر اشخاص عادی از جمله مواردی نام برده شده‌اند که حکم به لزوم رعایت حریم خصوصی در آن تخصیص خورده است (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۳۰۹).

۳- آموزش کاربران

فضای مجازی با زندگی انسان‌ها پیوند خورده و نیازمند آموزش‌های تخصصی مانند سواد رسانه‌ای است. این سواد شامل مهارت تحلیل محتوا، شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهاست و فراتر از دانش صرف، توانایی عملی نیز می‌طلبد. حاکمیت باید با ساخت

مدارس و دانشگاه‌ها، امکانات آموزشی را برای همه فراهم کند، چرا که تعلیم و تربیت از وظایف اصلی آن است. قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز بر اهمیت علم‌آموزی تأکید دارند. به طور مثال در سوره جمعه، آموزش بشر از اهداف ارسال پیامبران ذکر شده است. جامعه بدون علم و آگاهی پایدار نمی‌ماند، فلذا تعلیم و تربیت برای حفظ نظام اجتماعی ضرورت دارد. علاوه بر قاعده "وجوب حفظ نظام"، حاکمیت موظف به ادله‌ای که به برخی از آن اشاره می‌گردد این کار را انجام دهد:

۱. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از فتح مکه، عتاب بن اسید را به فرمانروایی منصوب کرد و در عهدنامه خود، آموزش افراد را یکی از وظایف او برشمرد (سروش، ۱۳۷۸، ص ۲۰۱).

۲. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در بیان وظایف متقابل مردم و حاکمیت، آموزش و جهل‌زدایی را از حقوق مردم بر دولت دانسته‌اند (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

۳. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هنگام اعزام معاذ بن جبل به یمن، بر لزوم گماردن معلمان برای تعلیم علوم تأکید کردند (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۱).

آموزش ضرورتی است که تعالیم دینی با ستایش علم و عالم بر آن تأکید دارند. هیچ حکومتی نمی‌تواند از مسئولیت تربیت افراد جامعه شانه خالی کند. براساس قاعده لزوم اهتمام به امور مسلمانان (صالحی، خاتمی سبزواری و ظهیری، ۱۴۰۱، ص ۱۵۳)، حتی با کوتاهی حاکمیت، جامعه اسلامی موظف است خود نسبت به آن اقدام کند.

بایسته‌های فقهی ناظر به پیام

پیام در نقش یک از ارکان ارتباط برای انتقال معنا، سه بایسته فقهی دارد که ضوابط محتوای پیام را مشخص می‌کنند:

۱- منع نشر محتوی امنیتی

پیشرفت فناوری‌های ارتباطی در کنار مزایا، تهدیدات امنیتی جدی ایجاد کرده که هم امنیت فردی و هم اجتماعی را تهدید می‌کند. از مهم‌ترین این خطرات، انتشار

محتوای نامناسب شامل اطلاعات محرمانه، خشونت آفرینی و تفرقه اندازی است. فضای مجازی با دسترسی آسان، این تهدیدات را تشدید کرده است.

انتشار محتوای نامناسب چند خطر عمده دارد: افشای اطلاعات محرمانه که امنیت ملی و جان افراد را تهدید می کند؛ ترویج خشونت و نفرت که تنش های اجتماعی را تشدید می کند؛ افزایش جرایم سایبری مثل هک و کلاهبرداری اینترنتی؛ و آموزش روش های مجرمانه که امنیت عمومی را به خطر می اندازد. محتوای امنیتی شامل هر محتوایی است که امنیت فردی، اجتماعی یا حکومتی را تهدید کند - از خطرات جانی و مالی تا تهدیدات نظامی، اقتصادی و اجتماعی. امروزه با دسترسی آسان به فضای مجازی، تولید و انتشار این محتواها سریعتر شده است.

در حیطه امنیت عمومی با تمسک به قواعدی چون وجوب حفظ نظام که مبتنی بر آن اصل نظم و پرهیز از هرج و مرج و گسیختگی امور از اصول حاکم بر سایر مقررات است (عمید، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۷۸) همچنین قاعده فقهی نفی سبیل به معنای ممنوعیت هر عملی که مستلزم چیرگی و تسلط کفار بر مسلمانان است و در نهایت با تمسک به ادله ای که هر گونه جاسوسی برای دشمن را ممنوع نموده اند (ممتحنه، ۱-۲؛ أنفال، ۲۷) و در حیطه امنیت فردی با تمسک به ادله ای چون حرمت آزار دادن و اخافه مؤمن (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۳۵۰ و ۳۶۸)، ادله احترام اموال مؤمنین (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۶۰؛ ج ۷، ص ۲۷۳)، ادله احترام آبروی مؤمن و ممنوعیت هر گونه هتک - پیشتر مورد اشاره قرار گرفته اند - و در نهایت با تمسک به ادله مسئله لزوم تقیه و کتمان (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، صص ۲۲۴-۲۰۴) می توان ممنوعیت نشر و انتشار هر گونه محتوی تهدید کننده امنیت فردی یا جمعی را اثبات نمود.

۲- پالایش محتوی

پالایش یعنی پاکسازی و جداسازی درست از نادرست، که همیشه به معنی محدودیت نیست و بسته به موضوع، مصادیق مختلفی دارد - از اصلاح جزئی تا حذف بخشی از محتوا یا نظارت هدفمند. این مفهوم با ادله شرعی مانند وجوب نهی از منکر و حرمت گمراه سازی توجیه می شود. نهی از منکر هر محتوای نادرست را شامل می شود و

حرمت اضلال، تولید و نشر مطالب گمراه‌کننده را ممنوع می‌کند. بنابراین پالایش محتوا - چه از طریق حذف، تصحیح یا ویرایش - هم ضرورت عقلانی دارد و هم تکلیف شرعی برای حفظ سلامت فکری و اخلاقی جامعه است.

۳- ترویج محتوای سالم و مناسب و دینی

در عصر حاضر که فضای مجازی با زندگی انسان‌ها عجین شده، تولید محتوای سالم، آموزنده و مثبت ضرورتی انکارناپذیر است. چنین محتوایی ضمن ارتقای آگاهی عمومی، می‌تواند فرهنگ و باورهای صحیح را ترویج کند و در شکل‌دهی به نگرش‌ها و رفتارهای جامعه مؤثر باشد. پیام‌ها باید علاوه بر انتقال اطلاعات دقیق، ارزش‌های الهی و انسانی را نیز تبلیغ کنند تا در مسیر هدف غایی آفرینش - رسیدن به سعادت - گام بردارند. حاکمیت دینی موظف است با بهره‌گیری از ظرفیت فضای مجازی، به تبلیغ آموزه‌های الهی بپردازد. با توجه به آسیب‌های محتوای نامناسب، ارتقای کیفیت محتوای دیجیتال امری حیاتی است. برخی از شواهد دینی بر ضرورت تولید محتوای مناسب عبارتند از:

۱. آیه ۱۵۷ سوره اعراف: این آیه به پنج وظیفه مهم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند، از جمله امر به معروف (فرمان به کارهای نیک). حاکم اسلامی موظف است فضای جامعه، اعم از حقیقی و مجازی، را به گونه‌ای سالم و اسلامی شکل دهد تا زمینه‌های گسترش معروف فراهم شود و فساد ریشه‌کن گردد. تولید و ترویج پیام‌های سالم و دینی یکی از مصادیق معروف است که حاکمیت باید به آن توجه کند (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۶).
۲. توصیه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به معاذ بن جبل: هنگام اعزام معاذ بن جبل به یمن، پیامبر صلی الله علیه و آله به او توصیه‌هایی مانند آموزش قرآن، تربیت اخلاقی مردم، از بین بردن سنت‌های جاهلی و ترویج احکام دینی کردند. این توصیه‌ها نشان می‌دهد که حاکم اسلامی موظف است فضای سالمی برای انتقال اطلاعات درست و مناسب ایجاد کند (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۲۵).

۳. توصیه‌های پیامبر ﷺ به عمرو بن حزم: پیامبر ﷺ به عمرو بن حزم، والی قبیله بنی حارث، توصیه‌هایی مانند تعلیم قرآن، دعوت به نیکی، تعلیم آموزه‌های دینی و بشارت به بهشت و انداز از جهنم کردند. این موارد نشان‌دهنده وظیفه حاکمیت در تولید و ترویج محتوای مناسب است (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۵۱۹).

۴. خطبه ۱۰۵ نهج البلاغه: امام علی (علیه السلام) در این خطبه، اندرز، موعظه و خیرخواهی را از وظایف امام دانسته و بر آن تأکید می‌کنند. این وظایف را می‌توان از طریق تولید محتوای سالم و آموزنده در فضای مجازی انجام داد (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۵۲).

بایسته‌های فقهی ناظر به ابزار

ناظر به ابزار به‌مانند بستری برای شکل‌گیری ارتباط سه بایسته فقهی است که از وظایف عمده و مهم حاکمیت به شمار می‌رود و در اینجا مورد بررسی قرار گرفت که عبارتند از:

۱- تأمین دسترسی

دولت مسئولیت‌های کلیدی در قبال مردم دارد، از جمله اجرای قوانین کیفری و تضمین ضمانت اجرای قوانین. تأمین نیازهای اساسی جامعه که فقط دولت قادر به برآوردن آنهاست، از وظایف حیاتی حکومت محسوب می‌شود. هرچند برخی نیازها را نهادهای دیگر نیز می‌توانند مرتفع سازند، اما در صورت عدم اقدام آنان، دولت موظف است وارد عمل شده و این نیازها را برطرف کند (مصباح، ۱۳۸۵، ص ۲۰۹). بنابراین خدمات عمومی نظیر راه‌سازی، احداث پل، ایجاد درمانگاه و بیمارستان و... ولو در مواردی که سودآور است، ممکن است مورد رغبت و اقدام سرمایه‌گذاری افراد و گروه‌ها باشد اما گسترش آن در سطح همه مردم نیاز به حضور دولت و مشارکت حکومت دارد (سروش، ۱۳۷۸، ص ۵۰۱). تأمین زیرساخت‌ها و سخت‌افزارهای لازم برای دسترسی به فضای مجازی، هرچند ممکن است توسط بخش خصوصی نیز پیگیری شود، اما بدون حضور و نظارت دولت به‌طور کامل محقق نخواهد شد. بنابراین، حاکمیت موظف است در راستای ایفای

مسئولیت‌های خود، به توسعه و پشتیبانی این زیرساخت‌ها پردازد.

این مهم را می‌توان با تمسک به قواعدی چون لزوم حفظ نظام و حرمت اختلال آن، قاعده اهتمام که مبتنی بر آن ضرورت امورات عام مسلمین اثبات می‌گردد و پیشتر به آنان اشاره شد، اثبات نمود. از سوی دیگر در بخشی از عهدنامه مالک اشتر، امام علی علیه السلام بر آبادانی زمین‌یه‌مثابه یکی از وظایف اصلی حاکمیت تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: وَ لِيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يَذُرُّكَ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بَعِثَ عِمَارَةَ الْأَرْضِ وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ وَ لَمْ يَسْتَقِمَّ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا (نهج البلاغه، نامه ۵۳). آبادانی زمین از وظایف اصلی حکومت است که امروزه تنها به کشاورزی محدود نمی‌شود، بلکه توسعه همه‌جانبه اقتصادی - از جمله زیرساخت‌های دیجیتال - را دربرمی‌گیرد. دولت اسلامی باید با ایجاد و گسترش این زیرساخت‌ها، امکان دسترسی و بهره‌برداری مردم از فضای مجازی را فراهم کند، چرا که فقدان چنین زیرساخت‌هایی نظام اقتصادی و اجتماعی را مختل می‌سازد. همچنین اداره کشور نیازمند ایجاد سازمان‌های متنوع برای اموری مانند راه‌سازی، مسکن‌سازی و بهداشت است. حاکم در حکومت اسلامی، بر اساس ادله قرآنی و روایی، موظف به رعایت مصالح مردم و تامین زیرساخت‌های لازم در جهت توسعه و بهره‌مندی جامعه از امکانات ضروری است (مؤمن، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۱۸) و اکنون زیرساخت‌های لازم برای دسترسی به فضای مجازی از جمله مواردی هستند که در جهت اداره جامعه ضرورت دارند.

۲- حفاظت از داده‌ها

داده، واقعی‌تری عینی است که هنگام پردازش در بستر زمان و مکان به اطلاعات تبدیل می‌شود. این ماده خام اطلاعاتی می‌تواند در اشکال مختلفی مانند اعداد، تصاویر یا نمادها ظاهر شود. در واقع داده‌ها عناصر اولیه‌ای هستند که پس از جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر، به اطلاعات معنادار تبدیل می‌گردند. به بیان دیگر، اطلاعات همان داده‌های پردازش شده و تفسیر شده هستند.

داده‌های دیجیتال به دلیل تقاضا و رقابت بر سر آن‌ها، و همچنین داشتن ما به ازای در برخی موارد (مثل تصاویر تولیدی)، ارزش مالی دارند و مفهوم مال بر آنان صادق خواهد بود. از سوی دیگر حتی اگر مال نباشند، قابلیت اختصاص و کنترل توسط سازنده را دارند، بنابراین مفهوم مالکیت شامل آن‌ها می‌شود. این مالکیت ممکن است از نوع معنوی باشد و تابع قوانین مربوطه شود. در نهایت به مقتضای قاعده احترام مال مؤمن، مال افراد محترم است فلذا باید مورد رعایت و حفاظت قرار گیرد.

حفاظت از کلان‌داده‌ها و داده‌های عمومی همانند دیگر ثروت‌های ملی و اموال سازمانی ضروری است. حاکمیت موظف است امنیت مالی افراد و سازمان‌ها و همچنین منافع ملی را تضمین کند. این مسئولیت شامل حراست از داده‌ها به مثابه بخشی از امنیت عمومی می‌شود که بر اساس وظایف حاکمیت در قبال اموال مردم تعیین می‌گردد. دسترسی غیرمجاز به کلان‌داده‌ها می‌تواند پیامدهای خطرناکی مانند تهدید امنیت ملی، اختلال در نظام حکومتی و سلطه بیگانگان بر جامعه اسلامی داشته باشد. بر اساس قواعد فقهی مانند "حرمت اختلال نظام" و "نفی سیل"، ضرورت حفاظت از این داده‌ها به وضوح بر عهده حاکمیت اسلامی است. این مسئولیت شرعی و حکومتی، شامل پیشگیری از هرگونه سوءاستفاده یا تسلط دشمنان بر اطلاعات حساس ملی می‌شود.

۳- شبکه ملی اطلاعات (بومی‌سازی)

شبکه ملی اطلاعات در جایگاه زیرساختی بومی و مستقل، نقش کلیدی در تحقق استقلال، امنیت و آزادی همه‌جانبه در فضای مجازی ایفا می‌کند. با توجه به تسلط سازمان‌های بین‌المللی مانند آی‌کان بر اینترنت جهانی، ایجاد چنین شبکه‌ای نه تنها ضرورتی فنی، بلکه امری استراتژیک برای حفظ حاکمیت ملی و مقابله با سلطه‌جویی قدرت‌های خارجی است. این شبکه به کشور امکان می‌دهد تا کنترل کامل بر داده‌ها، خدمات و امنیت فضای مجازی را در دست گرفته و از هرگونه نفوذ و آسیب‌پذیری جلوگیری کند.

از منظر شرعی، قاعده‌هایی مانند نفی سیل و وجوب جهاد، لزوم مقاومت در برابر

تسلط دشمنان و حفظ استقلال مسلمانان را تأکید می‌کنند. در دنیای امروز که فضای مجازی به ابزاری برای جنگ‌های روانی، حملات سایبری و تضعیف کشورها تبدیل شده، ایجاد شبکه ملی اطلاعات به مثابه بخشی از آمادگی دفاعی، واجب و ضروری است. همان‌گونه که آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» بر لزوم تقویت توان‌های دفاعی تأکید دارد، تامین این شبکه نیز به منزله ابزاری برای بازدارندگی و حفظ امنیت ملی، وظیفه‌ای شرعی و ملی است که حاکمیت باید به‌طور جدی به آن بپردازد.

نتیجه‌گیری

حکمرانی فضای مجازی بر پایه آموزه‌های فقهی، نیازمند چارچوبی جامع است که همزمان به نقش فرستنده، گیرنده، محتوا و ابزار توجه کند. در حوزه فرستنده، تدوین قوانین شفاف برای تضمین آزادی بیان در چارچوب ارزش‌های شرعی، همراه با جرم‌انگاری رفتارهای نقض‌کننده حریم الهی و انسانی (مانند دروغ، هتک حرمت، شایعه‌پراکنی و اشاعه فحشا)، ضروری است. این امر مستلزم ایجاد سازوکارهای نظارتی هوشمند برای شناسایی و مقابله با محتوای مضر (نظیر اخبار جعلی، مطالب غیراخلاقی یا توهین‌آمیز) و حمایت از حقوق مالکیت معنوی پدیدآورندگان است. در حوزه گیرنده، حق دسترسی عادلانه به اطلاعات در چارچوب شفافیت و رعایت حریم خصوصی، همراه با آموزش عمومی درباره سواد رسانه‌ای و مسئولیت‌پذیری در استفاده از فضای مجازی، به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی کمک می‌کند. در حوزه محتوا، جرم‌انگاری انتشار محتوای تهدیدکننده امنیت (مانند افشای اطلاعات محرمانه یا تحریک خشونت) و پالایش محتوای مضر (اخبار جعلی، مطالب غیراخلاقی یا گمراه‌کننده) با تدوین قوانین شفاف و حمایت از تولیدکنندگان محتوای سالم، سلامت فکری و اخلاقی جامعه را تضمین می‌کند. همچنین، ترویج محتوای دینی و سازنده از طریق حمایت مالی و فنی از پدیدآورندگان و همکاری با نهادهای مذهبی، فضایی معنوی و آموزنده ایجاد می‌نماید. در حوزه ابزار، توسعه زیرساخت‌های جامع و عادلانه، همراه با تدوین قوانین شفاف برای حفاظت از داده‌های شخصی و کلان‌داده‌ها، امنیت و

استقلال دیجیتال را تقویت می‌کند. حمایت از بخش خصوصی در توسعه زیرساخت‌ها و آموزش عمومی درباره مدیریت مسئولانه داده‌ها، به شکل‌گیری فرهنگی آگاه و متعهد کمک می‌کند. در نهایت، این سیاست‌ها با ترکیب قانونگذاری دقیق، نظارت هوشمند، آموزش اخلاقی و حمایت از حقوق فردی و جمعی، توازن میان آزادی‌های مشروع، حریم خصوصی، امنیت ملی و ارزش‌های اسلامی برقرار می‌کنند و فضای مجازی را به بستری امن، عادلانه و همسو با هویت ملی-دینی تبدیل می‌نماید. این چارچوب نه تنها پاسخگوی نیازهای فقهی مانند حفظ کرامت انسانی و مصالح عمومی است، بلکه ابزاری برای رشد فردی و اجتماعی در مسیر تعالی اسلامی فراهم می‌آورد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

ابن شعبه حرانی، حسن. (۱۴۰۴ق). تحف العقول (چاپ: دوم). قم: جامعه مدرسین قم.
احمدی میانجی، علی. (۱۴۱۹ق). مکاتیب الرسول (ج ۲، چاپ اول). قم: دارالحديث
اسماعیلی، محسن. (۱۳۸۶). آزادی ارتباطات و اطلاعات در حقوق و معارف اسلامی. رسانه،
(۶۹).

امیرپور، مهناز؛ بهرامیان، شفیع. (۱۳۹۲). مبانی کلی نظریه‌های ارتباط جمعی. تهران: نشر:
جامعه‌شناسان.

انصاری، باقر. (۱۳۹۰). حقوق رسانه (چاپ اول). تهران: انتشارات: سمت.
انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵). کتاب المکاسب (ج ۱ و ۲). کنگره جهانی بزرگداشت دویستمین
سالگرد تولد شیخ انصاری، دانشگاه قم. قم: دبیرخانه کنگره.
تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۱۶). إرشاد الطالب إلى التعليق على المکاسب (ج ۱). قم: دار الصديقة
الشهيدة.

تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۷). صراط النجاة ریا (ج ۵). قم: دار الصديقة الشهيدة.
جوادی آملی، عبدالله، مصطفی پور، محمدرضا. (۱۳۸۴). آزادی بیان. پاسدار اسلام، (۲۸۳).
حائری، سید کاظم حسینی. (۱۴۲۳). فقه العقود (ج ۱). قم: مجمع الفکر اسلامی.
حلی، محقق. (۱۴۲۳). معارج الأصول (چاپ اول). لندن: مؤسسة الامام علی (ع)
حمیری، عبد الله. (۱۴۱۳). قرب الإسناد (چاپ اول). قم: الحديثه.
خمینی، سید روح الله. (۱۴۱۵). المکاسب المحرمة (ج ۱ و ۲). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی رحمته الله.

- خمینی، سید روح الله. (بی تا). تحریر الوسیلة (ج ۲). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله.
- خویی، سید ابو القاسم. (بی تا). مصباح الفقاهة (المکاسب) (ج ۱).
- دادگران، سید محمد. (۱۳۸۸). مبانی ارتباطات جمعی (چاپ دوازدهم). تهران: مروارید.
- ساریخانی، عادل؛ اکرمی سراب، روح الله. (۱۳۹۱). مبانی فقهی حق بر اطلاعات. حکومت اسلامی، (۶۵).
- سبحانی، جعفر. (۱۳۸۵). فروغ ابدیت، تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر (چاپ بیست و یک). قم: بوستان کتاب.
- سبزواری، سید عبد الأعلى. (۱۴۱۳). مهذب الأحکام (ج ۱۶). قم: مؤسسه المنار.
- سروش، محمد. (۱۳۷۸). دین و دولت در اندیشه اسلامی (چاپ اول). قم: بوستان کتاب.
- شیرازی، ناصر مکارم. (۱۴۲۷). استفتاءات جدید. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- صالحی، محمدباقر؛ خاتمی سبزواری، سیدمرتضی؛ ظهیری، علی. (۱۴۰۱). وظایف دولت و حکومت اسلامی در موضوع بیماری های مسری و فراگیر. حکومت اسلامی، ۲۷(۳).
- صدر، سید محمد باقر. (۱۴۲۰). قاعدة لا ضرر و لا ضرار. قم: دار الصادقین للطباعة و النشر.
- صدر، سید محمد باقر. (۱۴۰۸). مباحث الأصول (ج ۱، چاپ اول). قم: دارالبشیر.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۶۲). الخصال (ج ۲، چاپ اول). قم: انتشارات علمیه.
- عاملی، سید سعید رضا. (۱۳۹۷). فلسفه فضای مجازی (چاپ دوم). تهران: امیر کبیر.
- عاملی، حرّ، محمد. (۱۴۰۹). وسائل الشیعة (ج ۱۲، ۱۵ و ۱۶). قم: مؤسسه آل البیت.
- عباس نژاد، محسن. (۱۳۸۵). قرآن و حقوق. مشهد: موسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- عمید، عباس علی. (۱۴۲۱). فقه سیاسی (عمید) (ج ۲). تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فیروزآبادی، سید ابوالحسن. (۱۳۹۹). درآمدی بر حکمرانی فضای مجازی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.

کدیوریان، نسرین. (۱۳۹۳). بررسی فقهی و حقوقی مالکیت معنوی، پایان نامه کارشناسی ارشد (استاد راهنما: طاهر علی محمدی)، دانشگاه ایلام، دانشکده الهیئت و معارف اسلامی.

کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). الکافی (ج ۲، ۲ و ۸). تهران: دار الکتب الإسلامية.

لنکرانی، محمد فاضل موحدی. (۱۴۱۶ ق). أجوبة السائلین (للفاضل). قم: اسوه.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار (ج ۹، چاپ دوم). بیروت: دار إحياء التراث العربی

مصباح، محمد تقی. (۱۳۸۵). پاسخ استاد به جوانان پرسشگر (چاپ ششم). قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران: انتشارات صدرا.

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق). الاختصاص - ایران (چاپ اول). قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، مدرسه عالی تربیتی و قضایی.

مک کویل، دنیس. (۱۳۸۵). درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی. تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه‌ها.

منتظری، حسین علی. (۱۴۰۹ ق). مبانی فقهی حکومت اسلامی (ج ۴). قم: کیهان.

مولانا، حمید. (۱۴۰۲). الگوی مطبوعات و رسانه‌های اسلامی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مؤمن، محمد. (۱۴۲۵ ق). الولاية الإلهية الإسلامية أو الحكومة الإسلامية (ج ۱). قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مهدی زاده، سید محمد. (۱۴۰۰). نظریه‌های رسانه اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. تهران: همشهری.

مهرداد، هرمز. (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، تهران: فاران.

نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی. (۱۴۲۰ق). شرح الشيخ جعفر علی قواعد العلامة ابن المطهر (ج ۱). نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء - الذخائر.

نظری، عبدالله. (۱۳۹۸). شاخص آزادی سیاسی در الگوی پیشرفت اسلامی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

نهاوندی، علی. (۱۳۹۸). مجموعه گفتارهای فقه رسانه و ارتباطات (ج ۲). مشهد: به نشر.